



حسابداری

و مفاهیم اقتصادی

اندازه‌گیری سود

شاید هدف نخست فرایند حسابداری اندازه‌گیری سود به شکل ادواری برای واحدهای تجاری باشد. اصطلاح سود یکی از غیر ثابت‌ترین مفاهیم در دنیای تجارت است. احتمالاً حسابداری آنقدر توسعه نخواهد یافت که بتواند سود را به گونه‌ای تعریف کند که برای همه پذیرفتنی شود. مبنای اندازه‌گیری سود در حسابداری تحت تاثیر دو اصل اساسی حسابداری یعنی اصل بهای تمام شده^۱ و اصل تحقق^۲ قرار دارد. کاربرد این اصول در حسابداری منجر به بروز بحرانهایی در زمینه نتیجه‌بخش بودن گزارشهای حسابداری مالی در مقاصد تصمیمگیری شده است.

آثار اصل بهای تمام شده

مبنای اندازه‌گیری در حسابداری مالی بهای تمام شده است. این اصل بوضوح با فرض تداوم فعالیت هنگامی که ارزش زمانی پول در حال تغییر است در تضاد است.

در عمل درآمد بر مبنای بهای تمام شده تاریخی اندازه‌گیری می‌شود و فرض تداوم فعالیت نیز آثار شگرفی را در اندازه‌گیریها دارد و به عنوان پشتوانه‌ای قوی برای سایر اصول حسابداری درآمده است.

قابلیت اتکای بهای تمام شده تاریخی به عنوان بهترین شاخص اندازه‌گیریهای به عمل آمده برای عناصر صورتهای مالی است، اما تغییرات بعدی در ارزشهای جاری اقلام اندازه‌گیری شده نیز اغلب بخشی از اطلاعات با اهمیت و مربوط برای تصمیمگیرندگان محسوب می‌شود. مثلاً اگر فروش یکی از اقلام داراییهای بلند مدت مورد نظر باشد، بهای تمام شده تاریخی آن

بندرت اطلاعاتی مربوط در تصمیمگیری است و ارزش جاری آن اطلاعاتی مربوط محسوب می‌شود و اگر نتوان ارزش جاری آن را مشخص کرد اطلاعات در دسترس فاقد قابلیت اتکای لازم خواهد بود. وجود تضاد بین ویژگی کیفی مربوط بودن و ویژگی کیفی قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری یکی از مسائل بفرنج حسابداری است، زیرا مربوط ترین اطلاعات برای یک تصمیمگیری مشخص ممکن است فاقد قابلیت اتکای لازم باشد و قابل اتکاترین اطلاعات در دسترس ممکن است برای یک تصمیمگیری خاص نامربوط باشد.

روش بهای تمام شده تاریخی، اندازه‌گیری سود را تا حدود زیادی تحریف می‌کند.

این تحریف ناشی از تفاوت بین بهای تمام شده تاریخی و ارزشهای جاری، در دورانی ایجاد می‌شود که ارزش پول در حال تغییر است. فاصله زمانی موجود بین تاریخ تحصیل دارایی و استفاده از آن که منجر به تحصیل درآمد می‌شود دلیل وجود این تحریف است. برای اقلامی مانند حقوق و دستمزد و سایر هزینه‌های جاری این تفاوت ممکن است اندک باشد. اما برای داراییهایی مثل موجودیها و داراییهای ثابت

ممکن است تفاوت معنی داری بین بهای تمام شده زمان خرید و ارزش جاری آن در زمان تطابق هزینه‌ها با درآمد وجود داشته باشد. و تحت شرایط افزایش قیمت‌ها بدین ترتیب سود بیش از واقع نشان داده می‌شود. ارزشهای محافظه کارانه داراییها در ترازنامه با اندازه‌گیری سود خوشبینانه در حساب سود و زیان مقابله می‌شود.

اندازه‌گیری به روش بهای تمام شده در دوران تورم مسائل و مشکلات ویژه‌ای می‌آفریند. جمع مبالغ ثابت پولی در صورتهای مالی که در زمانهای مختلف ایجاد گردیده‌اند غیرمنطقی است. ارزشهای بهای تمام شده تاریخی در طول دوران تغییرات ارزش پول قابلیت جمع شدن را ندارند.

مثال

شرکتی در سال ۱۳۰۰ ساختمانی را به بهای تمام شده ۱ میلیون ریال خریداری کرده است. در سال ۱۳۰۱ ساختمانی مشابه با بهای تمام شده ۲ میلیون ریال احداث می‌کند. برطبق اصل بهای تمام شده تاریخی این دو رقم در ترازنامه با یکدیگر جمع می‌شوند و به بهای تمام شده تاریخی ۳ میلیون ریال نشان داده می‌شود. این دو ساختمان در واقع از نظر هزینه‌های ریالی با هم مقایسه شدنی نیستند و نمی‌توان ادعا کرد که ساختمان دوم دو برابر ساختمان اول ارزش دارد. اضافه کردن این مبالغ با هم و نشان دادن قدرت خرید ریالی یکسان، مشابه آن است که چارکها، لیترها، و گالنها را بدون تبدیل مخرج مشترک، جمع کنیم.

در بخش محاسبه استهلاك نیز باید تاثیرات بهای تمام شده را در نظر گرفت. اگر نرخ استهلاك ۵ درصد در سال فرض شود هزینه

استهلاك ساختمان اول ۵۰ هزار ریال و ساختمان دوم ۱۰۰ هزار ریال خواهد بود که این محاسبات هم سود را در صورت سود و زیان و هم ارزش داراییها را در ترازنامه به مبلغ ناصحیح نشان می‌دهد.

مزیت اصلی اندازه‌گیری بهای تمام شده تاریخی همان‌طور که بیان شد قابلیت اثبات آن است. به هر حال اگر ما فقط خواهان حقیقت هستیم باید صرفاً ارزیابی خود را محدود به وجه نقد کنیم. ولی ناگزیر در ارزیابیها با فاکتورهای ذهنی روبه‌رو می‌شویم، مثل روشهای موجود برای ارزیابی موجودیها، محاسبه استهلاك، تخصیص سربار و ایجاد ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول. به طور اصولی و واقعی و درست، ارزیابی به روش بهای تمام شده تاریخی، غیرممکن است.

آثار اصل تحقق

براساس این اصل حسابداران، تغییر در ارزش را تا هنگامی که در معاملات متبلور نشود شناسایی نمی‌کنند. سود غیر عملیاتی (سود ناشی از افزایش ارزش داراییها) تا هنگامی که با قوانین و مقررات اصطحکاک نداشته باشد در اندازه‌گیری درآمد منظور نمی‌شود. برطبق این فرض دو اصل اساسی برای اندازه‌گیری درآمد لحاظ می‌شود. نخست آنکه فروش یک اندازه‌گیری عینی در زنجیره اندازه‌گیری فراهم می‌نماید و دوم آنکه فروش معمولاً به عنوان یک واقعه با معنی و قطعی در زنجیره معاملات و وضعیتی است که ارزش افزوده در جریان فعالیت‌ها به شکلی واقعی تحصیل می‌شود. با تمرکز به سودهای تحقق یافته و چشمپوشی از سودهای تحقق نیافته نتایج زیانباری به شرح مثال زیر باید تحمل گردد.

مثال:

دو سرمایه‌گذار هر یک به مبلغ ۱ میلیون ریال در سهام شرکت سهامی شکوفه سرمایه‌گذاری می‌کنند. ارزش سهام در پایان سال دوبرابر ارزش آن در ابتدای سال می‌باشد. در آخرین روزهای سال مالی سرمایه‌گذار اول سهام خود را به مبلغ ۲ میلیون ریال می‌فروشد و حاصل فروش را صرف خرید اموال منقول می‌کند. از این رو یک سرمایه‌گذار مالک دارایی به مبلغ ۲ میلیون ریال است و سرمایه‌گذار دوم مالک سهامی می‌باشد که ۲ میلیون ریال ارزش دارد. از دیدگاهی هر دو سرمایه‌گذار به طور مساوی خوشبختند. طبق اصل تحقق سرمایه‌گذاری که سهام خود را به فروش رسانید ۱ میلیون ریال درآمد تحقق یافته دارد در حالی که سرمایه‌گذار دوم به علت نفروختن سهام درآمد حاصل را مخفی می‌کند.

مفاهیم اقتصادی

فرایند ارزشگذاری کانون تمامی جوانب تصمیمگیری است. تصمیمات بودجه‌بندی سرمایه‌ای مستلزم پیشبینی درباره ارزش فعلی جریان وجوه نقد خالص دریافتی مربوط به پروژه‌های سرمایه‌گذاری شده است. به طور مشابه سرمایه‌گذاران ممکن است همچنین به تسعیر داراییهای جاری به نقد یا شبه نقد مثل جریان سود سهام آینده در قالب سود سهام نقدی یا ارزش سهام خود اقدام کنند.

در این گونه تجزیه و تحلیلها سرمایه بر مسبنای تنزیل وجوه دریافتی آینده ارزشگذاری می‌شود. سرمایه‌گذارانی که بالاترین بازده سرمایه‌گذاری را جستجو می‌کنند با دریافت اطلاعات مورد نیاز

تصمیمات سرمایه‌گذاری را با سهولت می‌گیرند.

در اقتصاد ارزش سرمایه از ارزش درآمد مشتق می‌شود. پروفیسور هیکس (Hixks) درآمد اقتصادی را به شرح زیر تعریف کرده است:

"مبالغی که یک فرد در طول یک دوره معین مصرف کند، به گونه‌ای که ثروت او در پایان دوره مساوی ثروت او در اول دوره باشد."

مفهوم درآمد توسط الکساندر (Alexander) به شرح زیر تعریف شده است:

"سود یک شرکت عبارت از مبالغی است که می‌تواند بین سهامداران توزیع کند به گونه‌ای که ثروت او در پایان دوره برابر ابتدای دوره باشد."

این سود می‌تواند به وسیله مقایسه ارزش شرکت در دو مقطع از زمان و در اصطلاح ارزش فعلی خالص دریافتهای آینده در هر یک از این دو مقطع تعیین گردد. مفهوم اقتصادی درآمد جمع داراییها در قالب نمودی از دریافتهای مورد انتظار آینده قرار می‌گیرد. مشکل اصلی اندازه‌گیری ارزش پولی خالص وجوه دریافتی مورد انتظار آینده هم در ابتدای دوره و هم در

درآمد اقتصادی عبارت

است از: "مبالغی که یک فرد

در طول یک دوره معین

مصرف کند به گونه‌ای که

ثروت او در پایان دوره

مساوی ثروت او در اول

دوره باشد."

انتهای دوره حسابداری قرار می‌گیرد. برای نشان دادن تفاوت درآمدها می‌توان از معیار هیکس به شرح زیر استفاده کرد.

در ابتدای هفته فردی مالک موجودی کالای مصرفی است و انتظار جریان نقدی از این موجودی را دارد که او را قادر می‌کند سایر کالاها را مصرفی را تحصیل نماید که چشم‌انداز شماره I نامیده می‌شود. در پایان هفته او می‌داند که بعد از این هفته این چشم‌انداز ناپدید خواهد شد و چشم‌انداز جدیدی که می‌تواند در اول هفته جدید داشته باشد به وجود خواهد آمد که چشم‌انداز شماره II نامیده می‌شود. اکنون اگر چشم‌انداز شماره I در ابتدای روز شنبه را داشته باشیم ممکن است فرض کنیم که چشم‌انداز شماره I بر II ارجح است. به طور مشابه اگر چشم‌انداز I در ابتدای شنبه دوم در دسترس باشد آن شخص می‌داند که باید I را بر II ترجیح دهد. طرح این چنین مباحثاتی که چشم‌انداز شماره I بر چشم‌انداز شماره II ارجح است یا برعکس کاملاً بی‌مورد است. انتخاب یکی از چشم‌اندازها هرگز به‌طور واقعی صورت نمی‌گیرد و جهت مقایسه این دو پارامتر شاخص ویژه‌ای وجود ندارد.

هیکس یک نقطه بحرانی مربوط به مشکلات اندازه‌گیری با معیار خود ایجاد کرد. برای مقایسه نمودن حالت‌های خوشبختی در چشم‌انداز شماره I و چشم‌انداز شماره II باید بدانیم که چگونه برآورد بکنیم. مقاطع زمانی و چشم‌اندازها به دلیل تفاوت‌های زمانی موجود مقایسه‌پذیر نیستند.

مفهوم اقتصادی سود بر مبنای معیار هیکس یک برآورد است. چشم‌انداز I از دیدگاه چشم‌انداز II باید برآورد شود. در این

دیدگاه مشکل دو فرض اقتصادی سود سر بر می‌آورد، مفهوم اول درآمد تحقیقی نامیده می‌شود که چشم‌انداز شماره II را با چشم‌انداز I از دیدگاه زمانی چشم‌انداز I مقایسه می‌کند، مفهوم دوم درآمد غیر تحقیقی نامیده می‌شود که چشم‌انداز شماره II را با چشم‌انداز شماره I از دیدگاه زمانی چشم‌انداز شماره II مقایسه می‌کند. در دیدگاه هیکس تفاوت‌های زمانی موجود مشکل اساسی است.

یادآوری اینکه هم درآمد تحقیقی و درآمد غیر تحقیقی بر مبنای برآورد وجوه دریافتی آینده در هر دو دیدگاه زمانی می‌باشند دارای اهمیت اساسی است.

ارزش سود از ارزش داراییها تفکیک شدنی نیست. داراییها بر مبنای ارزش فعلی جمع خالص دریافتهای آینده داراییهای مورد استفاده شرکت ارزشگذاری می‌گردد. بنابراین گزارش سود و سرمایه در اقتصاد بر مبنای پیشبینی می‌باشد.

برآورد درآمد تحقیقی

ماهیت درآمد تحقیقی در مثال زیر توضیح داده می‌شود.

شرکتی در ابتدای سال 13×0 خالص دریافتهای زیر را بابت سرمایه‌گذاری بر روی دارایی مشخص پیشبینی می‌کند.

سال	مبلغ
13×0	10000
13×1	10000
13×2	10000
13×3	10000

نرخ بهره موثر بازار 10 درصد را نشان می‌دهد که فرض می‌شود بهترین نرخ بازگشت حاصل است. خالص ارزش فعلی وجوه دریافتی آینده به شرح زیر است.

جدول ۱ - محاسبه درآمد تحقق

۲۴۸۶۸	ارزش فعلی داراییها در ابتدای سال ۱۳×۰
۳۱۶۹۹	ارزش فعلی داراییها در ابتدای سال ۱۳×۰
۳۱۶۹	ارزش فعلی درآمد تحقق برای سال ۱۳×۰

سال	مبلغ	ارزش فعلی
۱۳×۰	۱۰۰۰۰	۹۰۹۱
۱۳×۱	۱۰۰۰۰	۸۲۶۴
۱۳×۲	۱۰۰۰۰	۷۵۱۳
۱۳×۳	۱۰۰۰۰	۶۸۳۱
	۳۱۶۹۹	

جدول ۲ - محاسبه درآمد غیر تحقق

سال	برآورد جریان ورودی	ارزش خالص فعلی
۱۳×۰	در پایان سال ۱۳×۰	در پایان سال ۱۳×۱
۱۳×۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۳×۱	۹۰۰۰	۸۱۸۲
۱۳×۲	۹۰۰۰	۷۴۲۸
۱۳×۳	۹۰۰۰	۶۷۶۲
	ارزش خالص فعلی جریان دریافتی آینده	۲۲۲۸۲
	برآورد ارزش فعلی در ابتدای ۱۳×۱	۲۲۲۸۲
	برآورد ارزش فعلی در ابتدای ۱۳×۰	۳۱۶۹۹
	درآمد غیر تحقق سال ۱۳×۰	۶۸۳

ارزش خالص فعلی دریافتیهای آینده مربوط به خرید داراییها در حالت سر به سری به مبلغ ۳۱۶۹۹ ریال است و قطعاً شرکت جهت خرید دارایی بالا با مبلغی بیش از ۳۱۶۹۹ ریال ناراضی خواهد بود. بنابراین ارزش اقتصادی دارایی در ابتدای سال ۱۳×۰ معادل ۳۱۶۹۹ ریال خواهد بود. ارزش خالص فعلی دریافتیهای نقدی آینده در انتهای سال ۱۳×۰ یا ابتدای سال ۱۳×۱ به شرح زیر است.

سال	مبلغ	ارزش فعلی
۱۳×۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۳×۱	۱۰۰۰۰	۹۰۹۱
۱۳×۲	۱۰۰۰۰	۸۲۶۴
۱۳×۳	۱۰۰۰۰	۷۵۱۳
	۳۴۸۶۸	

دو ارزش فعلی محاسبه شده در فوق مارا قادر می‌کند که درآمد تحقق را به شرح جدول ۱ محاسبه کنیم.

مبلغ ۳۱۶۹۹ ریال افزایش مورد انتظار در ارزش داراییها در طول سال را نشان می‌دهد. در مثال قبلی جریان ورودی درآمدها در

حاضر است. صحت اندازه‌گیری بستگی به درجه عدم اطمینان پیش‌بینی جریان نقدی آینده دارد. به‌طور ایده‌آل میزان جریان نقدی آینده بستگی به برآورد صحیح و منطقی زمان جریان نقدی دارد.

مفهوم ارزش فعلی خالص نیز مستلزم انتخاب نرخ تنزیل برای محاسبه ارزش خالص فعلی وجوه دریافتی در دوره‌های آینده است. اگر نرخ تنزیل در طول دوران تنزیل تغییر کند ارزش خالص فعلی محاسبه شده به دلیل نادرستی نرخ تنزیل اولیه تحریف خواهد شد. به دلیل آنکه نرخ تنزیل را نمی‌توان بدرستی انتخاب نمود، ادوارد و بل (Bell & Edwards) می‌گویند که

ابتدای سال برابر پایان سال است؛ در این چنین حالاتی درآمد تحقق و غیر تحقق یا یکدیگر برابرند. اما اگر خالص دریافتیها در پایان سال و ابتدای سال با هم تفاوت داشته باشند در این حالت این دو نوع درآمد با یکدیگر متفاوتند. درآمد تحقق برآورد درآمد را از چشم‌انداز دریافتی ابتدای سال و غیر تحقق درآمد برآورد شده را از چشم‌انداز دریافتی در انتهای سال نشان می‌دهد (جدول ۲).

ماهیت ذهنی سود اقتصادی

ارزش‌گذاری به‌طریق روش فعلی ایجادکننده مشکلات اندازه‌گیری در زمان

**سود اقتصادی سودی
ذهنی است و این مفهوم
به‌طور رضایتمندانه در
مبانی عملیاتی نمی‌تواند به
کار گرفته شود.**

سود اقتصادی سودی ذهنی است و این مفهوم به طور رضایتمندانه در مبادی عملیاتی نمی تواند به کار گرفته شود. بنا به دلیل نداشتن اطمینانی که در محیط حسابداری وجود دارد حسابداران نمی توانند وظیفه ارزیابی برای سهامداران و سرمایه گذاران را بخوبی انجام دهند. در مقابل برای سرمایه گذاران این امکان وجود دارد که ارزش سرمایه گذاری را همراه با تحمل ریسک متناسب ارزیابی نمایند.

نقش حسابداران، آراسته کردن اطلاعات جهت مقاصد تصمیمگیری است. سودمندی و مربوط بودن اطلاعات در صورتهای مالی در برگزیده اثربخشی اطلاعاتی است که به سرمایه گذاران اجازه دهد که اندازه گیری را با درجه بالایی از اطمینان فرمولبندی نمایند. در حقیقت عدم قطعیت را نمی توان بدرستی تعیین کرد، اما اطلاعاتی که مربوط به گذشته و عملکرد جاری تهیه می شود ممکن است مبنای خوبی برای توسعه پروژهها و برآورد احتمال گرایشهای آینده سرمایه گذاری قرار بگیرد. کفایت اطلاعات آرایه شده حسابداری، صراحت این اطلاعات و کفایت افشا، همه از جمله مسائلی هستند که نمودی از حرفه حسابداری دارند.

سرمایه گذاران باید از اطلاعات ایجاد شده در برآورد جریان نقدی آینده استفاده کنند و احتمال خطر عدم قطعیت برآوردها را مشخص نمایند. آنها باید با استفاده از یک تنزیل مناسب خالص جریانهای نقدی آینده را ارزیابی نمایند. این ارزیابی موضوعی ذهنی است به دلیل آنکه نرخ تنزیل از شخصی به شخص دیگر بستگی به ترجیحات شخصی دارد و یک برآورد مخصوص به خود است. بنابراین

کفایت اطلاعات آرایه شده حسابداری، صراحت این اطلاعات و کفایت افشا، همه از جمله مسائلی هستند که نمودی از حرفه حسابداری دارند.

خوشبختی افراد از ایجاد چنین پیشبینیها موضوعی است که به ترجیحات شخصی افراد بستگی دارد. بنا به تمام دلایل بالا مفهوم سود اقتصادی در گزارشهای مالی کمتر کاربرد دارد.

خلاصه

به دلیل وجود محدودیتهای ذاتی، اندازه گیری بر مبنای بهای تمام شده تاریخی و اصل تحقق که حاکم بر اندازه گیری درآمدها در حسابداری است، سودمندی تصمیمگیری را محدود می نماید. تحت شرایط تورم، ارزشهای محافظه کارانه در ترازنامه با اندازه گیری سود بیش از واقع درخشان در حساب سود و زیان مقابله می گردد. تغییر در ارزش داراییها به عنوان یک اتفاق گزارش نمی گردد. تغییرات در ارزش پول در طول زمان ثابت واحد اندازه گیری در حسابداری را از درون می پوساند.

تحت شرایط اطمینان، درآمد اقتصادی یک مفهوم ایده آل برای مفروضات گزارشگری مالی خواهد بود. ارزش آینده مبنایی را برای تصمیمگیری ایجاد می نماید.

واقعیت عدم اطمینان، که قاعدهای عمومی است، استفاده از درآمد اقتصادی را به دلیل آنکه ماهیتاً ذهنی است غیرممکن

می کند. جریان وجوه نقد دریافتی آینده و نرخ تنزیل با اطمینان قابل برآورد نیستند، و به همین دلیل حسابداران تلاشی در جهت نشان دادن ارزش شرکت نمی کنند و گزارشهای مالی که مرتبط با عملکرد گذشته می باشد جهت ارزیابی عملکرد و تعیین وضعیت مالی در انتظار سرمایه گذاران است.

محدودیتهای کاربردی اصول حسابداری، اهمیت مفهوم اقتصادی درآمد و ارزش را قالبی برای نشان دادن تغییرات و ارزش در یک دوره مالی قرار می دهد و وقتی بر بهای تمام شده نمی نهد. به علاوه این محدودیتهای به مفاهیم قراردادی حسابداری مثل اصل تحقق و بهای تمام شده فشار وارد می کنند تا گزارشگری از نوع مطلوبتری انتخاب شود. مثلاً بر اهمیت مفهوم نگهداشت سرمایه در اندازه گیری درآمد از سوی اقتصاددانان تاکید خاصی شده است.

۱- این اصل مبتنی بر این واقعیت است که در هر مبادله، ارزش متعارف آنچه واگذار می شود فراهم کننده مبنای و شواهد در خور انکار در مورد ارزش متعارف چیزی است که تحصیل می شود. از این رو داراییهای تحصیل شده در مبادلات همواره به بهای تمام شدهای اندازه گیری و ثبت می شود که معرف ارزش متعارف آن در تاریخ تحصیل است.
۲- این اصل حکایت از آن دارد که درآمدها زمانی شناسایی و ثبت می شود که واقعاً تحقق یافته باشد و زمان تحقق ناظر بر شناخت درآمدها تأمین کننده دو شرط زیر است.
الف- فرایند کسب سود کامل شده است، یا تقریباً خاتمه یافته باشد،
ب- مبادله ضروری صورت گرفته است.

منبع:

- 1- Alexander, S.S., *Income measurement in a dynamic economy*
- 2- Edwards, E.O. & Bell, P.W., *The theory and measurement of business income*
- 3- Hicks, J.R., *Value and capital*
- ۴- حسابداری صورتهای مالی اساسی - انتشارات سازمان حسابرسی



انجمن حسابداران
خبره ایران



اتاق بازرگانی و صنایع
معادن ایران

دوره عالی حسابداری و مدیریت مالی و دوره های تکمیلی حسابداری و امور مالی

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران
با همکاری انجمن حسابداران خبره ایران برگزار می نماید:

دوره تکمیلی (۱)
حسابداری و امور مالی
حسابداری مالی
مباحثی از حسابداری مالی تکمیلی
حسابداری صنعتی
مدیریت مالی و بودجه
حسابرسی
قانون مالیاتهای مستقیم
قانون تجارت

دوره تکمیلی (۲)
حسابداری و امور مالی
حسابداری مالی پیشرفته (۱)
حسابداری مالی پیشرفته (۲)
حسابداری صنعتی (۲)
حسابداری مدیریت
کاربرد استانداردهای حسابداری
مدیریت مالی

دوره عالی حسابداری و
مدیریت مالی
کاربرد استانداردهای حسابداری
حسابداری مالی
حسابداری مدیریت
مدیریت مالی
حسابرسی
قانون مالیاتهای مستقیم
قانون تجارت

شرایط شرکت کنندگان

مدرک دیپلم متوسطه
و پنج سال سابقه کار
در حسابداری یا حسابرسی

مدرک دوره تکمیلی (۱)
حسابداری و امور مالی
یا فوق دیپلم و سه سال سابقه
کار در حسابداری یا حسابرسی

لیسانس حسابداری یا رشته های
مشابه و سه سال سابقه کار
حسابداری یا حسابرسی

مدت آموزش هریک از دوره های فوق ۲۶۰ ساعت
(فقط روزهای پنجشنبه از ساعت ۸ تا ۱۳)

محل ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر

خیابان طالقانی بین فرست و خیابان دکتر مفتاح آموزشگاه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تلفن: ۸۲۸۳۲۴